

خواهد کرد، اضافه شدن دو پست رئیس شورای اروپا توسط یک سیاست‌مدار به مدت دو سال به جای ریاست شش‌ماهه‌ی هر یک از کشورها عضو و پست نماینده‌ی عالی سیاست خارجی و امنیتی مشترک است. از دیگر تغییرات، افزایش نقش جمعیت در مقابل واحدهای سیاسی است. به‌همین دلیل نقش کشورهای ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، لهستان و به‌ویژه آلمان پررنگ‌تر خواهد شد. هم‌چنین تغییر شیوه‌ی رأی‌گیری در مورد پنجاه موضوع مورد بحث اعمال خواهد شد که در این بین موضوع سیاست خارجی مشترک کمی متفاوت است. از یک طرف همان‌طور که از اسم آن پیداست همانند مهاجرت و تروریسم نیاز به یک سیاست واحد و مشترک دارد، از طرف دیگر همانند مالیات حساسیت حاکمیتی در مورد آن وجود دارد. راه‌حلی که برای آن در نظر گرفته شده ماده‌ی ۳۱ معاهده است. اگر یکی از اعضا با ذکر دلیل موضوعی را در حوزه‌ی سیاست‌های حاکمیتی بداند، رأی‌گیری متوقف شده و نماینده عالی با آن عضو رایزنی می‌کند تا به راه‌حلی دست یابد. در صورتی که این رایزنی نتیجه‌ای حاصل نکند، موضوع با رأی اکثریت کیفی به شورای اروپایی محول می‌شود. تصمیم‌گیری در شورای اروپایی هم براساس اتفاق آرا خواهد بود. تغییرات دیگری نظیر کوچک شدن کمیسیون و کاهش کرسی‌های پارلمان هم در معاهده پیش‌بینی شده که ارتباط مستقیمی به موضوع پژوهش حاضر ندارد.

نکته‌ی مهم در خصوص معاهده‌ی لیسبون، جایگاه نماینده‌ی عالی سیاست خارجی و امنیتی مشترک است. این نماینده جایگزین مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا که منتخب شورا بود، و کمیسیون روابط خارجی کمیسیون اتحادیه‌ی اروپا می‌شود. در واقع، این سیاست‌مدار اروپایی رابط بین نهاد فراملی کمیسیون و یک نهاد بین دولتی شورا هست؛ و این موضوع قدرت چانه‌زنی وی را افزایش می‌دهد. وی علاوه بر این سه سمت دیگر هم دارد: رئیس شورای امور خارجی، رئیس سرویس اقدام خارجی؛ (Laursen, 2012) و هم‌چنین رئیس آژانس دفاعی اروپا. معاهده‌ی لیسبون هم‌چنین به اتحادیه‌ی اروپا یک شخصیت حقوقی